



تأملی بر نظام تأمین اجتماعی وکلا در حقوق ایران

مریم بحرانی^۱

عبدالحسین جوکار^۲

چکیده

حق برخورداری از تأمین اجتماعی از حقوق اولیه شهروندان محسوب می‌شود. وکلای دادگستری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. از این رو، قوانینی برای حمایت از وکلا تدوین گردیده است. سابقه تشکیل صندوقی به منظور کمک به وکلا به سال ۱۳۵۰ و قانون تشکیل صندوق تعاون بازمی‌گردد. این صندوق به موجب قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵ منحل و صندوق حمایت جای‌گزین آن شد.

مقررات موجود فقط حمایت‌های بلندمدت شامل بازنشستگی، ازکارافتادگی و فوت را پیش‌بینی کرده است و دیگر حمایت‌های تأمین اجتماعی از جمله خدمات پزشکی و درمانی، بیمه بی‌کاری، کمک هزینه ازدواج، عایله‌مندی و کمک بارداری در خصوص وکلا مصداقی ندارد. به همین دلیل، وکلا از بسیاری از حمایت‌های اولیه و اساسی تأمین اجتماعی محروم مانده‌اند.

در این مقاله پس از بررسی اصول و حمایت‌های عام تأمین اجتماعی، حمایت‌های خاص وکلا نیز مطالعه می‌شود. نتیجه این تحقیق آن است که نظام تأمین اجتماعی وکلا بر اساس اصول کلی نظام تأمین اجتماعی شکل نگرفته است. مقررات صندوق حمایت علاوه بر سکوت و ابهام‌های فراوان، بسیاری از حمایت‌های تأمین اجتماعی را دربرنمی‌گیرد. پس این قانون کاستی‌های فراوانی دارد و اصلاح مقررات موجود ضروری است.

واژگان کلیدی: نظام تأمین اجتماعی، وکلا، حق بیمه، صندوق حمایت، مستمری بازنشستگی.

۱. فارس، شیراز، bahrani8887@yahoo.com

۲. فارغ التحصیل دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید، jokarh88@yahoo.com

مقدمه

بشر همیشه به دنبال ابزاری برای رفع مخاطرات و پریشانی‌های ناشی از مخاطرات طبیعی بوده و در راه ایجاد امنیت برای خود و هم نوعانش کوشیده است. در پرتو همین اندیشه، اصطلاح «تأمین اجتماعی»، نخستین بار در سال ۱۹۳۵ میلادی به طور رسمی با تصویب قانون تأمین اجتماعی در آمریکا مطرح شد. از واژه «تأمین اجتماعی»، تعاریف متعددی به میان آمده است. از میان این تعاریف گوناگون می‌توان گفت: «تأمین اجتماعی، مجموعه اقداماتی است که جامعه برای حمایت از اعضای خود هنگام مخاطرات اقتصادی اجتماعی مانند پیری، مرگ، بیماری، بی‌کاری و نظیر آن پیش‌بینی کرده است و انجام می‌دهد». در واقع، تأمین اجتماعی، ایجاد رفاه و امنیت همگانی در برابر آفات عمده عمومی و طبیعی و حوادث ناشی از زندگی اجتماعی و خطرات حاصل از کار است. مدت‌هاست که نظام تقنینی کشورها به اشتغال به حرفه وکالت به طور ویژه توجه نشان داده و شرایط و نظامات خاصی برای آن در نظر گرفته‌اند، به گونه‌ای که امروزه این حرفه از حوزه ابتکارات خصوصی اشخاص خارج شده است و از آن به عنوان یک خدمت عمومی یاد می‌شود. بر همین اساس نیز دولت‌ها نیز وظیفه دارند تدبیرهای لازم را برای تأمین مطلوب و کارآمد آن در پیش بگیرند.^۱

در ایران، تأمین اجتماعی به موجب اصولی در قانون اساسی تأیید شده است. در اصل ۲۹ قانون اساسی آمده است: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقب‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی همگانی است. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد جامعه تأمین کند». مطابق این اصل و اصول دیگر قانون اساسی در خصوص تأمین اجتماعی، حاکمیت وظیفه تأمین این موارد و تحقق اهداف بیان‌شده را بر عهده دارد. در واقع، تأمین اجتماعی می‌خواهد شامل همه مردم قطع نظر از طبقه، صنف و شغلشان باشد.

۱. اصغریان، مجتبی و همکاران، «مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت: مطالعه موردی نظام حقوقی انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و هفتم، شماره ۱۲۱، شماره ۱۴۰۲، ص ۳.

در راستای اصول قانون اساسی بعد از انقلاب در ایران، مهم‌ترین قانون عادی ناظر بر نظام تأمین اجتماعی ایران، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی است که در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۹ به تأیید شورای نگهبان رسید و پس از انتشار در روزنامه رسمی در ۱۳۸۳/۴/۲۴، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، مجری این قانون شد.

وکلا دادگستری به مقتضای شغل خطیر و پرمخاطره خود همواره با فشارها و اضطراب‌ها و دشواری‌های خردکننده روبه‌رو هستند. آنان حسب رسالت و وظیفه خود با ستمگران و اربابان نفوذ پیکار می‌کنند و در این نبرد وحشتناک، همه نیروهای مادی و اخلاقی خود را در طبق اخلاص می‌گذارند و در این مسیر باید از حمایت‌های تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند.^۱ در عصر کنونی، بسیاری از اشخاص به منظور برخورداری از مزایای بازنشستگی، به موجب قانون یا قرارداد به عضویت یک صندوق بازنشستگی درمی‌آیند و مبلغی را به عنوان حق بیمه سهم شاغل به صندوق پرداخت می‌کنند تا در زمان بازنشستگی از مزایای آن بهره‌مند شوند. پرداخت حق بیمه سهم شاغل، حق مکتسبی را برای آنان ایجاد می‌کند که احترام به آن در اسناد بین‌المللی ضروری دانسته شده است.^۲ وکلای دادگستری نیز مانند دیگر مردم در معرض آفات طبیعی و اجتماعی و حوادث ناشی از کار قرار دارند. در ایران، در سال ۱۳۴۱ به درخواست همه وکلا، در آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری، موضوع تأمین به صورت (تعاون) و به طور ناقص و ابتدایی پیش‌بینی شد. سپس در سال ۱۳۵۰، قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا جای‌گزین آن آیین‌نامه گردید و بالاخره در سال ۱۳۵۵ به قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان منجر گردید. عضویت در صندوق حمایت وکلا به عنوان یک صندوق مستقل صنفی و دارای شخصیت حقوقی اجباری است. مبنای اجباری بودن نیز تعاون و کمک به یکدیگر در مواقع بروز خطر است؛ خطری که به مقتضای شغل متوجه همه وکلای دادگستری است.

با این حال، این قانون نیز در سالیان متمادی نتوانسته است دغدغه وکلا را رفع کند و تفسیرهای مضیق از این قانون، آرامش و اعتماد نسبت به پوشش احتمالی آن را سلب کرده است. در ماده یک قانون صندوق حمایت وکلا فقط حمایت در برابر اثرات ناشی از پیری و از کارافتادگی و فوت بیان

۱. علی اکبری، رستم، «اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه‌ای در شغل وکالت»، تمدن حقوقی، دوره چهارم، شماره ۹، ۱۴۰۰، ص ۲۰۱.

۲. رستمی، مرتضی و سید احمد حبیب‌نژاد، «بررسی سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی ایران در پرتو اصول سرمایه‌گذاری»، مجله حقوق خصوصی، دوره چهاردهم، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۹۷.

شده است. بنابراین، مواردی که مطابق این قانون تحت حمایت قرار گرفته، حمایت‌های بلندمدت تأمین اجتماعی است و موارد دیگری که در اصول قانون اساسی و قانون تأمین اجتماعی به آن‌ها پرداخته و تأکید شده، مانند حمایت در برابر حوادث، بارداری، خدمات پزشکی و درمانی در این قانون گنجانده نشده است و در واقع، وکلا از بسیاری از حمایت‌های تأمین اجتماعی بی‌بهره هستند.

موضوع اصلی این پژوهش، بررسی حمایت‌های موجود در خصوص حق بر تأمین اجتماعی وکلا و کاستی‌ها و خلأهای موجود است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با وجود مقررات خاص حمایتی در خصوص وکلا هم‌چنان این قشر از بسیاری از حمایت‌های عام در مقایسه با دیگر مشاغل (کارمندان و کارگران) بی‌بهره هستند که این امر نیازمند اقدامات کانون‌های وکلا و اتحادیه مرکزی کانون‌های وکلا در تصویب مقررات حمایتی عام‌الشمول است.

در خصوص پیشینه تحقیقاتی نیز باید گفت کوروش استوارسنگری در کتاب حقوق تأمین اجتماعی به بررسی و ابعاد حق بر تأمین اجتماعی در بعد بین‌المللی و داخلی پرداخته است. ناهید اعتضادپور و فهیمه رجبی‌راد در کتاب تأمین اجتماعی در ایران به بررسی اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی در حقوق ایران پرداخته‌اند. رحیم احمدی در مقاله «بررسی ماده ۱۴ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان» به صورت مختصر به ماده ۱۴ این قانون پرداخته است که می‌گوید: «وکلا و کارگشایانی که از مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی موضوع این قانون استفاده می‌کنند، دیگر حق وکالت ندارند.» محمدقاسم تنگستانی و مهدی مرادی برلیان در مقاله «تخصصی‌سازی حرفه وکالت دادگستری در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها» معایب وکالت عمومی و ضرورت تخصصی‌سازی نهاد وکالت در موضوعات مختلف را بررسی کرده‌اند. به طور کلی، به نظر می‌رسد با وجود اهمیت نهاد وکالت در حقوق ایران و دارا بودن جنبه حقوق عمومی، به ابعاد مختلف حقوق وکلا به ویژه حق بر تأمین اجتماعی، توجه لازم نشده است که جملگی این موارد، ضرورت انجام این پژوهش را پررنگ می‌کند.

وجود این نواقص و ضرورت توجه به اصلاح قوانین در خصوص تأمین اجتماعی وکلا که یکی از اقشار اثرگذار و از حامیان برقراری عدالت در جوامع هستند، سبب شد با بررسی قوانین تأمین اجتماعی و حمایت‌های عام صورت‌گرفته در این قوانین نسبت به مشمولان آن و نیز بررسی حمایت‌های صورت‌گرفته از وکلا، نقاط ضعف و قوت این قوانین را در مورد وکلا برجسته‌سازیم و راه‌حلی برای رفع نواقص قانونی ارائه دهیم.

گفتار اول. مبانی نظری

بند اول. مفهوم حق بر تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی به معنای برقراری نظامی پایدار و فراگیر است که در متن اقتصاد، جامعه و سیاست، سازوکارهای خود را می‌یابد تا به موجب آن، به هیچ عذر و بهانه‌ای بتواند به یک حق انسانی پاسخ دهد و آن نیز حق برخورداری همگانی از امکانات معیشتی و سکونت و فرهنگی متناسب با شأن انسانی است. این حق، نه لطف است از طرف دولت و نه می‌تواند در چارچوب درخواست‌های فردی برای بیش‌ترین امکانات و تعریف نیازهای خودخواهانه تضمین شود.^۱

در تبیین روند تحولات حقوق بشر باید دانست که حقوق‌دان اهل چک، کارل واساک، برای اولین بار، طرح طبقه‌بندی حقوق بشر در قالب نسل‌های سه‌گانه را در سال ۱۹۷۹ در مؤسسه بین‌المللی حقوق بشر در استراسبورگ مطرح کرد. تقسیم‌بندی او از سه شعار انقلاب فرانسه یعنی «آزادی، برابری و برادری» تبعیت می‌کرد. او اظهار می‌دارد که نسل اول یعنی حقوق سیاسی و مدنی مبتنی بر اصل آزادی‌اند. نسل دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر برابری و حقوق نسل سوم، حقوق هم‌بستگی مبتنی بر اصل برادری است. در مورد نسل دوم حقوق بشر یا حقوق مطالبه‌ای و قبول آن به عنوان حق طبیعی انسان باید متذکر گردید که انسان عضو جامعه امروز، حق خود می‌داند که از جامعه، حقوقی در زمینه‌هایی مثل بهداشت، بیمه، کار، آموزش و نظیر آن خواستار شود.^۲

حق بر تأمین اجتماعی، حوزه‌ای از خدمات رفاه اجتماعی است که به حمایت اجتماعی در مقابل شرایط مشخص اجتماعی شامل فقر، سن پیری، ناتوانی، بی‌کاری خانواده‌های دارای فرزند و نظایر آن مربوط می‌شود. حق بر تأمین اجتماعی دارای دو مفهوم موسّع و مضیق است. در مفهوم موسّع به طیفی قابل توجه از خدمات رفاه اجتماعی اطلاق می‌شود و در مفهوم مضیق، برنامه خاصی است که به صورت مشخص تحت نام تأمین اجتماعی قرار می‌گیرد.^۳

1. Harris, Nevill, *Social Security Law in Context*, Oxford University Press, 1999, p. 4.

۲. ویژه، محمد رضا و احمد کتابی رودی، «توسعه حقوق تأمین اجتماعی در بستر حق بر توسعه»، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۱۲.

3. History of Social Security, available at: www.legal-dictionary.thefreedictionary.com; see also: Social security

بند دوم. اصول حاکم بر حق تأمین اجتماعی

الف. اصل برابری و مساوات

مطابق اصل برابری، همه اعضای یک جامعه و شهروندان به صورت برابر، حق برخورداری از حمایت و مزایای تأمین اجتماعی را دارند و نمی‌توان بر بنیاد ملاک‌هایی مانند مذهب، جنسیت، عقیده سیاسی یا نژاد و مانند آن، اشخاص را از برخورداری از این حق محروم کرد یا اولویت بخشید. رعایت این اصل به منزله وجود تبعیض میان اعضای جامعه است. از سوی دیگر، تأمین اجتماعی به عنوان یک حق بشری پذیرفته شده و لازمه رعایت حقوق بشر نیز پذیرش و رعایت اصل برابری است. این امر در موازین بین‌المللی از جمله ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده سه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سازمان ملل متحد به صراحت بیان شده است.^۱ با این حال، این اصل در قوانین و مقررات حاکم بر نظام تأمین اجتماعی ایران به صراحت نیامده است.

بنابراین، قانون‌گذار و نیز دستگاه‌های متولی تأمین اجتماعی ایران به این اصل توجه چندانی نداشته‌اند، به گونه‌ای که حداقل در برخی زمینه‌ها از جمله برقراری مزایای عایله‌مندی و بازماندگان از نظر جنسیتی، تبعیض و تفاوت وجود دارد. این در حالی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند «و» اصل سوم، دولت را به رفع کلیه تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها مکلف کرده است. در اصل نوزدهم و بیستم و به ویژه اصل بیست و یکم نیز برخورداری از تأمین اجتماعی را حق همگانی اعلام کرده که نشانه پذیرش اصل برابری و مساوات است.^۲

ب. اصل فراگیری

یک نظام تأمین اجتماعی ایدئال باید همه اعضای جامعه یعنی شهروندان و اتباع داخلی و بیگانه را در بر بگیرد و همه این افراد از حمایت‌ها و مزایای آن برخوردار باشند.^۳ این اصلی بنیادین است

available at: www.nolo.com/definition.cfnr/term/3CCrE23B-450842D3-B980E1538760C8AC.

۱. ویژه و کتابی رودی، پیشین، ص ۲۵.

۲. بادینی، حسن و زینب عصمتی، «نقدی بر آرای دیوان عدالت اداری در پرتو اصول حاکم بر تأمین اجتماعی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، تابستان ۱۳۹۱، صص ۳۸-۳۹.

۳. استوار سنگری، حقوق تأمین اجتماعی، تهران: میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳، ص ۲۵.

که در مقام وضع قانون، راهنمای قانون‌گذار به حساب می‌آید و حقوق دانان نیز هنگام تفسیر و اجرای قانون و بروز ابهام و تعارض باید آن را در نظر بگیرند. در نتیجه حاکمیت این اصل، قوانین محدودکننده پوشش و حمایت‌های تأمین، خلاف اصل است و باید تفسیر مضیق شود.^۱ بند ج ماده ۹ قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳ نیز با عنوان اصول و سیاست‌های اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی، منظور از سیاست فراگیری را این‌گونه توصیف کرده است.

ج. اصل کفایت

این اصل که در بند ب ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز پیش‌بینی شده، بر ارتقای سطح خدمات بیمه‌های اجتماعی برای پوشش تمامی نیازها بر اساس شرایط اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی هر جامعه مبتنی است. اصل کفایت بر این موضوع تأکید دارد که در وهله نخست باید حداقل نیازهای اساسی جامعه تأمین شود و در مرحله دوم، کمیت و کیفیت خدمات ارتقا یابد، آن‌گونه که برای رفع نیازهای بیمه‌شدگان، کفایت نسبی حاصل گردد.^۲ تعیین حداقل نیازها و حداقل حمایت‌ها به میزان پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه بستگی دارد. هرچه سطح رفاه و آگاهی جامعه بالاتر باشد، استاندارد حداقل‌ها نیز در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.^۳ طبق مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، حداقل استاندارد جهانی حمایت‌های تأمین اجتماعی مشخص شده است و کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار به رعایت استانداردهای ناظر بر این حداقل‌ها مکلفند. با این حال، ممکن است در برخی کشورها، استانداردها بیش از حداقل استاندارد جهانی تعیین گردد. بنابراین، اصل کفایت بر لزوم تأمین حداقل نیازها و حداقل حمایت‌ها در حوزه تأمین اجتماعی برای افراد جامعه دلالت می‌کند، به نحوی که این حمایت‌ها، کفاف تأمین حداقل نیازها را بدهد و سطح ابتدایی ارائه خدمات تأمین اجتماعی حتماً رعایت گردد.^۴

۱. بادینی و عصمتی، پیشین، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۴.

۳. استوارسنگری، پیشین، ص ۲۶.

۴. بادینی، حسن، «جستاری نقادانه بر نظام تأمین اجتماعی ایران»، فصل‌نامه حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۶۲-۶۳.

د. اصل جامعیت

اصل جامعیت پس از اصل کفایت قرار دارد. اصل کفایت بیش تر ناظر بر خدمات حداقلی و وجود حمایت های حداقلی است، اما اصل جامعیت، هدف نهایی یک نظام تأمین اجتماعی را در نظر دارد. در واقع، در این جا به نظامی نیاز است که در همه زمینه ها به شهروندان خدمات کامل ارائه و حمایت های کامل را از آن ها انجام دهد.^۱

مطابق ماده ۲ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی شامل سه حوزه بیمه ای، حمایتی، توان بخشی و امدادی است که خدمات مربوط به هر حوزه را قانون گذار مشخص کرده است. حوزه بیمه ای شامل بخش های بیمه های اجتماعی و درمانی (در دو سطح همگانی و تکمیلی)، بازنشستگی، بی کاری، حوادث و سوانح، از کارافتادگی، بازماندگان و حوزه حمایتی و توان بخشی شامل ارائه خدمات حمایتی و توان بخشی و اعطای یارانه و کمک های مالی افراد و خانواده های نیازمند و حوزه ی امدادی شامل امداد و نجات در حوادث غیر مترقبه است.^۲

گفتار دوم. مقررات ناظر بر صندوق حمایت از وکلا

متمایز شدن وکالت دادگستری از دیگر انواع وکالت و تبدیل شدن آن به یک حرفه خاص موجب حاکمیت قواعد و نظامات خاصی برای اشتغال به آن شده است. متناسب با این تحولات، نظامات و قواعد یاد شده نیز به تدریج گسترده تر و جزئی تر گردیده است.^۳

اتحادیه بین المللی وکلا در سال ۱۹۵۳ در کنگره وین با شرکت نمایندگان وکلا و مجامع وکالتی بیش تر کشورهای اروپایی و آمریکایی تشکیل شد. در زمینه تأمین اجتماعی وکلا از نظر شغلی، مطالعات مفید و مؤثر و آموزنده ای به عمل آورد و در نتیجه، کمیسیون دایمی برای تأمین اجتماعی وکلا را تأسیس کرد. این کمیسیون در سال ۱۹۵۴ در کنگره بروکسل پایتخت بلژیک تأیید و تنفیذ شد. گزارشگر کل کمیسیون در لوکزامبورگ نیز در ژانویه ۱۹۵۶، گزارشی در این مورد به کنگره پاریس تسلیم کرد که در آن، جریان مقررات تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف تشریح شده است.^۴

۱. استوار سنگری، پیشین، ص ۲۷.

۲. همان.

۳. تنگستانی، محمد قاسم و مهدی مرادی برلیان، «تخصصی سازی حرفه وکالت دادگستری در ایران: چالش ها و راهکارها»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره پنجاه و دوم، شماره ۲، ۱۴۰۱، ص ۲۵۸.

۴. کاتبی، حسین قلی، وکالت (مجموعه مقالات)، تهران: آبان، چاپ دوم، ۱۳۵۷، ص ۲۴۵.

بند اول. پیشنهاد و سیر تقنینی قانون‌گذاری تأمین اجتماعی وکلا در ایران

نخستین گام برای ایجاد صندوقی به منظور حمایت از وکلای دادگستری در تیر ۱۳۴۱ با تصویب آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری آغاز شد. به موجب ماده ۱۲ این آیین‌نامه، وکلا باید موقع پرداخت مالیات، معادل نصف آن چه را بابت مالیات می‌پردازند، برای صندوق تعاون وکلا به حساب‌داری دادگستری بپردازند که در پایان هر ماه به قانون وکلای دادگستری پرداخت شود. طرز مصرف وجوه صندوق تعاون به تنظیم آیین‌نامه‌ای از جانب قانون وکلای دادگستری موکول شد تا به تصویب وزارت دادگستری برسد.^۱

حدود شش سال بعد، آیین‌نامه مورد بحث تهیه و تصویب شد. اداره امور صندوق به هیئت امنایی مرکب از هفت نفر وکلای دادگستری مقیم مرکز سپرده شد. دو تن نیز به عنوان بازرس انتخاب شدند. تعهدات صندوق، پرداخت مساعده به معلولین و وکلای بیمار بود و تحت شرایط خاص باید وجوه پرداختی مسترد می‌شد، اما مقرری تأمین به طور ماهانه قابل پرداخت بود که از جمله شرایط برقراری آن، قبول عضویت صندوق و حداقل بیش از ۱۵ سال پرداخت حق عضویت مقرر بود.^۲

در ادامه، قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا و تأمین هزینه‌های قانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۳۵۰/۲/۱۴ جای‌گزین این آیین‌نامه شد. وظیفه این صندوق، کمک به وکلای دادگستری و کارگشایان در زمان پیری و از کارافتادگی، کمک به بازماندگان آنان و پرداخت مساعده به وکلای بیمار بود. بهره‌گیری از این کمک و مساعده چندان سهل نبود و از آن استقبال نشد. در زمان تصویب این قانون، کارکنان کشوری و نیروهای مسلح، کارگران و کارمندان بخش‌های غیر دولتی همگی از حق استفاده از حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و بازماندگان آنان از حقوق وظیفه یا مستمری برخوردار بودند، ولی پرداخت کمک یا مساعده به وکلای دادگستری آن هم در شرایط خاص قابل توجیه و منطقی به نظر نمی‌رسید.^۳

در سال‌های اولیه دهه ۱۳۵۰، پیش‌کسوتان امور وکالت در صدد برآمدند امکانات قانونی لازم را برای برخوردار وکلا از حقوق بازنشستگی همانند دیگر اقشار فراهم آورند. تلاش‌های آنان به تصویب

۱. صدیق، بیژن، مجموعه قوانین و مقررات صندوق حمایت وکلای دادگستری، تهران: بی‌نا، ۱۳۹۲، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴.

قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ منجر گردید و چگونگی اجرای آن به تصویب آیین نامه اجرایی توسط کمیسیون مشترک مجلسین محول شد. دارایی و تعهدات صندوق تعاون وکلا نیز به این صندوق منتقل و صندوق تعاون منحل گشت.^۱ اساس نامه صندوق حمایت وکلا در ۱۳۵۷/۳/۹ به تصویب شورای عالی تأمین اجتماعی رسید، اما به علت معوق ماندن تصویب آیین نامه اجرایی، صندوق حمایت نتوانست شروع به کار کند.

با تصویب قانون اصلاح ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۳، تهیه آیین نامه اجرایی به وزارت دادگستری و تصویب آن به هیئت وزیران محول شد. به این ترتیب، امکان تنظیم و تصویب آیین نامه پس از قریب بیست سال فراهم شد.^۲

آیین نامه اجرایی در پیشنهاد ۱۵/۷۶۰۸ مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۷ تقدیم هیئت وزیران شد که دو سال بعد در ۱۳۷۷/۱۲/۵ به تصویب هیئت وزیران رسید و امکان شروع فعالیت صندوق حمایت وکلا از آغاز سال ۱۳۷۸ فراهم گردید. با شروع فعالیت صندوق حمایت، لزوم برخی اصلاحات در اساس نامه مصوب ۱۳۵۷/۳/۹ مشخص شد و برای ایجاد سهولت و تسریع در گردش کار صندوق، اصلاحات عبارتی به عمل آمد که در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۳ به تصویب شورای عالی تأمین اجتماعی رسید.^۳

بنا بر آن چه گذشت، انحلال صندوق تعاون و تأسیس صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری و شروع به کار و فعالیت این صندوق سال ها به درازا کشیده شده است.

بند دوم. جایگاه حقوقی صندوق

کارکرد وجودی نهاد و نظام صنفی، یک کارکرد یک سوپیه و صرفاً کنترلی نیست و با توجه به این که متشکل از خود اعضای صنف است، طبیعی است که انتظار یک رویکرد حمایتی را از آن نسبت به اعضا داشته باشیم. می توان گفت اولین دلیل گردهم آیی اعضا و تن دادن به برخی نظامات و محدودیت ها، امید به برخورداری از حمایت های ویژه قانونی از سوی نظام مربوط است.^۴

۱. همان.

۲. همان، صص ۴-۵.

۳. همان، ص ۵.

۴. شمس، عرفان، خودتنظیمی، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶.

در ماده ۳ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان و ماده ۲ اساس نامه صندوق حمایت تأکید گردیده است که صندوق دارای شخصیت حقوقی است. در خصوص جایگاه صندوق حمایت وکلا در تقسیم‌بندی حقوق عمومی یا حقوق خصوصی باید گفت به نظر می‌رسد که صندوق حمایت وکلا از اشخاص حقوقی حقوق عمومی باشد. در جهت توجیه این مسئله باید اذعان کرد همان گونه که در قانون صراحت دارد، صندوق از نظر مالی و اداری استقلال دارد. بنابراین، باید گفت از نظر استخدامی و مالی تابع قوانین جاری مملکتی نظیر قانون استخدام کشوری و قانون محاسبات نیست. افراد تشکیل‌دهنده آن نیز کارمند دولت محسوب نمی‌شوند و اموال متعلق به آن‌ها جزء اموال عمومی نیست. این خصوصیات از ویژگی‌های شخص حقوقی خصوصی است. با این حال، باید توجه داشت که با دقت نظر در تشکیلات و وظایف این سازمان به اصولی برمی‌خوریم که موجب می‌شود نظری دیگر داشته باشیم. از جمله این‌که در این تشکیلات، اصل حاکمیت اراده وجود ندارد، بلکه اصل عضویت و تبعیت اجباری که از خصوصیات عمده شخص حقوقی عمومی است، حاکم است.^۱ اجباری بودن عضویت در صندوق در ماده یک قانون تشکیل صندوق حمایت به صراحت بیان شده است.^۲ مبنای اجباری بودن، تعاون و کمک به یکدیگر در مواقع بروز خطر است؛ خطری که با عنایت به مقتضیات شغل وکالت متوجه همه وکلای دادگستری است.^۳

به موجب ماده ۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۳۳۳، «کانون وکلای دادگستری، مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود.» به موجب بند الف ماده ۶ همین قانون، اعطای پروانه وکالت به داوطلبان واجد شرایط قانونی در صلاحیت کانون وکلا قرار گرفته است. بنابراین، باید توجه داشت که اعمال حاکمیت، وظیفه دولت است و اصل بر این است که دولت‌ها آن را از طریق ارگان‌های خویش انجام می‌دهند. گاه به منظور سبک‌تر کردن بار مسئولیت خود می‌توانند بعضی از امور مربوط به حاکمیت را با

۱. همان، ص ۲۰.

۲. مطابق ماده ۱ قانون تشکیل صندوق حمایت و کارگشایان، «وکلا و کارگشایان دادگستری طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری، از کارافتادگی و فوت حمایت می‌شوند».

۳. امینی، عیسی و حمیدرضا پرتو، «نقد و بررسی مقررات حاکم بر صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری»، ۱۳۹۲:

اجازه قانون به سازمان‌های غیر دولتی تفویض کنند. چون بخش عمده فعالیت‌های سازمان‌های حرفه‌ای، شرکت در اعمال حاکمیت است، بدون توجه به دیگر ویژگی‌ها و خصوصیات باید آن‌ها را شخص حقوقی موضوع حقوق عمومی تلقی کنیم.^۱

در پایان باید افزود مطابق ماده ۳ اساس‌نامه، مرکز اصلی صندوق در تهران است و می‌تواند در هر یک از نقاط ایران شعبه ایجاد کند یا از میان وکلای دادگستری مقیم در محل، نمایندگانی برای خود برگزیند. در حال حاضر نیز در هر یک از کانون‌ها در شهرهایی که کانون وکلا تشکیل گردیده است، نماینده‌ای از طرف صندوق حضور دارد که این نماینده، هر دو سال یک بار توسط هیئت مدیره انتخاب می‌گردد.

بررسی ماهیت کانون وکلای دادگستری در ایران بیانگر آن است که این نهاد به یک اعتبار از شخصیت‌های حقوقی عمومی است و به اعتبار دیگر، به قلمروی حقوق خصوصی تعلق دارد؛ زیرا بخشی از وظایف آن به ارائه خدمات معاضدت قضایی برمی‌گردد، ولی استقلال مالی و مدیریتی آن نیز می‌تواند آن را در شمار اشخاص حقوقی خصوصی قرار دهد.^۲

در خصوص ماهیت قانونی صندوق حمایت وکلا و کارگشایان می‌توان گفت صندوق به موجب قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری ایجاد شده و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است. اساس‌نامه صندوق ضمن اشاره به برخورداری صندوق از شخصیت حقوقی بر استقلال مالی و اداری آن تأکید دارد. نگاه به اساس‌نامه صندوق به ویژه ماده ۲۲ آن که راه‌های تأمین منابع صندوق را بیان می‌دارد، در کنار ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت در مورد حق بیمه نشان می‌دهد دولت در تأمین منابع مالی آن هیچ سهمی ندارد. در نتیجه، این صندوق، یک مؤسسه خصوصی محسوب می‌شود.^۳

۱. شمس، پیشین، ص ۲۱.

۲. اسماعیلی هریسی، ابراهیم، وکلای جوان بدانند (درس یکم: پیشه وکالت)، تهران: دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۶۹.

۳. رستمی، مرتضی و حسن بادینی، «بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشتگی در نظام تأمین اجتماعی ایران»، پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، شماره ۶۳، ۱۳۹۸، ص ۲۷۵.

گفتار سوم. منابع مالی و میزان حق بیمه صندوق

بند اول. منابع مالی صندوق

صندوق حمایت وکلا از نظر مالی کاملاً مستقل است و بدون هیچ گونه کمک از طرف نهادهای عمومی و دولتی به وسیله وکلا اداره می‌گردد.^۱ منابع مالی صندوق حمایت وکلا را می‌توان در چهار دسته کلی جای داد:

۱. مبلغ حق بیمه‌ای^۲ که وکلا و کانون‌ها بایستی مستقیم مطابق ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ پردازند (هشت درصد سهم وکلا و چهار درصد سهم کانون‌ها) و نیز خساراتی که به علت تأخیر در پرداخت این حق بیمه به صندوق بایستی پرداخت گردد.

۲. سود حاصل از به کار انداختن وجوهی که به صندوق پرداخت می‌گردد.

۳. کمک‌ها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می‌شود.

۴. درآمدهای حاصل از اجرای تبصره اصلاح ماده ۸ مصوب ۱۳۷۵ در خصوص نصف مبلغ تمبر الصاقی به وکالت‌نامه و نیز نصف مالیات حق‌المشاوره و حق‌الوکاله.

طبق ماده ۲۹ اساس‌نامه صندوق: «درآمد و سپرده‌های ثابت و جاری و ذخایر صندوق و به طور کلی، تمام وجوه متعلق به صندوق باید منحصراً در بانک‌های دولتی ایداع و نگهداری شود».

همان‌طور که گفته شد، وجوه صندوق بایستی در یکی از بانک‌های دولتی تودیع شود. این امر، صندوق را در سرمایه‌گذاری کردن این وجوه به طرق دیگر محدود کرده است. در سال ۱۳۹۳ در جلسه مجمع عمومی نمایندگان تصمیم‌گیری شد که از این مقررات هم می‌توان برای سرمایه‌گذاری‌های دیگر استفاده کرد و تصویب شد که اجازه سرمایه‌گذاری به صندوق داده شود. در واقع، مجمع به این نتیجه رسید که می‌توان مقررات صندوق را به نفع وکیل تفسیر کرد. در این خصوص نیز در بند «ب» ماده ۲۲ اساس‌نامه، منابع درآمد صندوق را «درآمد حاصل از به کار انداختن وجوه و ذخایر صندوق» بیان کرده است. بر اساس این بند چراواژه «به کار انداختن» را به جای این که همان تودیع نزد یکی از

۱. سجادی، شهرناز، «صندوق حمایت و تأمین اجتماعی»: www.sajadi.ir/item/6.html.

۲. با توجه به این که منبع اصلی درآمد صندوق، حق بیمه است، به اختصار باید گفت حق بیمه، مبلغی است که به حکم قانون و برای استفاده از مزایا به صندوق پرداخت می‌گردد.

بانک‌های دولتی قلمداد کنیم، سرمایه‌گذاری به هر طریقی ندانیم که به نفع صندوق و وکلاست؟ این امر پس از چندین جلسه در مجامع عمومی صندوق بالاخره در سال ۱۳۹۳ به تصویب مجمع رسید. به منظور اجرایی شدن این مصوبه می‌بایست این تصمیم مجمع توسط مراجع صلاحیت‌دار در ماده ۴ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان مصوب ۱۳۳۵ تأیید شود.^۱

بند دوم. نرخ حق بیمه و مأخذ محاسبه آن

الف. نرخ حق بیمه

مطابق ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت: «نرخ و ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف بیمه‌شده و کانون وکلا و... طبق آیین‌نامه‌ای است که به وسیله وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید». بر همین اساس، هیئت وزیران در جلسه ۱۳۷۷/۱۲/۵ بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری، آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت را تصویب کرد.

مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه، وکلا و کارگشایان دادگستری بیمه‌شده محسوب می‌شوند و مأخذ پرداخت حق بیمه آن‌ها به این ترتیب است:

الف) سهم بیمه‌شده، هشت درصد

ب) سهم کانون، چهار درصد

بنابراین، مطابق این ماده، وکلا و کارگشایان بایستی هشت درصد حق بیمه را پرداخت کنند و کانون وکلای دادگستری باید چهار درصد از حق بیمه را عهده‌دار شود. در این مسئله، سه طرف، موضوع حق و تکالیف مندرج در این مقرراتند. طرف اول، صندوق است که وظیفه حمایت و بیمه‌گری و پرداخت مستمری را به عهده دارد. طرف دوم، وکلا یا همان بیمه‌شدگان هستند و طرف سوم، کانون‌هایند که وضعیت و سمت و نقش آنان در این میان معلوم نیست.^۲

مسئله ۴ درصد سهم کانون‌ها و مسئله حق بیمه وکلا و کارآموزان امری است که همواره مورد اعتراض سه گروه قرار دارد. یک سو، کانون‌های وکلا با این مشکل مواجهند که بدهی خود را به صندوق چگونه

۱. گفت‌وگو با مهراب رفیعی، نماینده سابق کانون فارس و کهکیلویه و بویراحمد در صندوق، آذر ۱۳۹۴.

۲. داوودی، هما، «مصوبه غیر کارشناسانه پرداخت ۴ درصد سهم کانون‌ها»، آبان ۱۳۹۳؛ www.alborzbar.com/CForms/؛ www.firmNewsDet.aspx?id=۲۵۰.

بپردازند و منابع مالی آن را از کجا تأمین کنند و اساساً چرا باید این مبالغ را بپردازند و چه رابطه‌ای بین آنان و وکیل وجود دارد و چه انتفاعی از شغل و درآمد وکیل دارند که باید حق بیمه آنان را بپردازند. سوی دیگر قضیه، وکلا هستند که همیشه به این امر معترضند که وصول این مبالغ از آنان غیر قانونی یا بهتر بگوییم، خلاف قانون است و هر چند از باب همکاری با کانون آن را می‌پردازند، اما به انحای مختلف، نارضایتی خود را ابراز می‌دارند. طرف سوم قضیه، صندوق حمایت است که مکرر و مرتب از طریق مکاتبه یا طرح در مجامع به دنبال وصول مطالبات خود از کانون‌هاست.

از نظر منطق و قانون بین کانون و وکیل، رابطه کار و کارگری برقرار نیست و وکیل برای کانون کار نمی‌کند. کانون نیز از کار او منتفع نمی‌شود که کارفرمای او تلقی شود. مبلغی هم که وکلا هنگام ابطال تمبر باید به عنوان یک چهارم سهم کانون بپردازند، تنها از باب مشارکت اعضا در اداره نهاد مدنی مربوط به خودشان است، نه از باب رابطه کار و کارگری. بنابراین، اساس تکلیف کانون‌ها به پرداخت بخشی از حق بیمه وکلا، مورد اعتراض جدی کانون‌هاست و ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت، کاملاً غیر کارشناسانه وضع شده است. واقعاً معلوم نیست کانون‌ها در این میان چه نقش و سمتی دارند که باید بدهی‌هایی را بپردازند که چندین برابر درآمد آن‌هاست.^۱

در این خصوص، تنها راه‌گریز این است که یا کانون‌ها مبلغ ۴ درصد را از وکلا بگیرند و به صندوق تحویل دهند یا بدهی خود را معطل بگذارند و به اخطارهای مکرر صندوق در پرداخت بدهی، بی‌اعتنا باقی بمانند^۲ که در صورت اول، از وکلا و در صورت دوم از صندوق ملامت خواهند شنید. در حال حاضر و در عمل، کانون‌ها این مبلغ را از وکلا دریافت می‌کنند.^۳ چون منابع درآمد کانون‌ها بسیار محدود است و به عنوان نهادی مدنی، سهمی از بودجه عمومی ندارند و به طور عمده، تنها متکی به حق عضویت اعضا، بایستی اقدامات لازم در خصوص اصلاح آیین‌نامه و رفع این مشکل صورت پذیرد.

۱. همان.

۲. تدوین‌کنندگان پیش‌نویس لایحه جامع وکالت، ضمانت اجرای غیر اصولی برای وصول این مطالبات پیش‌بینی کرده‌اند که کاملاً غیر کارشناسانه تدوین شده است و جز تشدید مشکلات وکلا و کانون‌ها و باز هم بلاوصول ماندن مطالبات صندوق، نتیجه‌ای نخواهد داشت. از جمله این‌که تأخیر در پرداخت سهم کانون (که ۳ درصد پیشنهاد شده است)، موجب تعلیق گرفتن ۱۰ درصد جریمه به آن خواهد بود و مدیران کانون‌هایی که سهم کانون را نپردازند، علاوه بر محکومیت انتظامی، شخصاً باید ۱۰ درصد جریمه را بپردازند!

۳. داوودی، پیشین.

برای نمونه، در کانون وکلای فارس و کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۴ بر اساس مبلغ حق بیمه وکلا، کانون فارس بایستی مبلغ پانزده میلیارد ریال بابت ۴ درصد سهم کانون به صندوق پرداخت کند. بر اساس قانون نیز درآمدهای کانون فارس در سال مورد نظر شامل حق عضویت سالانه است که در سال ۹۴، کانون فارس از هر نفر ۲ میلیون ریال دریافت کرده است که با احتساب ۳۰۰۰ وکیل در کانون فارس و کهگیلویه و بویراحمد، این مبلغ ۶ میلیارد ریال می‌شود و با مبالغی نیز که تحت عنوان همیاری از محل نقل و انتقالات و نیز زمان دریافت پروانه وکالت پایه یک از وکلا دریافت می‌گردد که مبلغ کمی را شامل می‌شود و منبع درآمد اصلی کانون نیز که بایستی در زمان ابطال تمبر وکالت‌نامه توسط وکلا به میزان دریافت حق الوکاله دریافت شود، به علت اعلام نکردن وکلا به نحو صحیح پرداخت نمی‌گردد. در واقع، کانون از این منبع درآمد مهم محروم می‌گردد.

اگر این درآمد را در سال ۱۳۹۴ مبلغ ۳ میلیارد ریال در نظر بگیریم، در واقع، کانون فارس در سال ۹۴ مبلغ ۹ میلیارد ریال درآمد داشته است. در حالی که بایستی مبلغ ۱۵ میلیارد ریال بابت ۴ درصد به صندوق پرداخت کند. علاوه بر این که مخارج مربوط به حقوق کارمندان دفتری کانون و هزینه‌های جاری مربوط به نگهداری ساختمان کانون را نیز باید از همین درآمد بپردازد. بر همین اساس، کانون فارس در سال ۹۴ بدون احتساب هزینه‌های مربوط به حقوق کارمندان و ساختمان کانون، مبلغ ۶ میلیارد ریال به صندوق بابت چهار درصد سهم خود بدهکار است. چون کانون یک نهاد مستقل و غیر دولتی است و منبع درآمدی ندارد و تمام هزینه‌های خود را توسط اعضا تأمین می‌کند، به ناچار برای جبران این کسری و نیز هزینه‌هایی که بایستی به منظور اداره کانون و حقوق کارمندان خود بپردازد، ۴ درصد سهم کانون را نیز در زمان پرداخت حق بیمه، معادل نصف مبلغ حق بیمه وکیل از وی دریافت می‌کند.^۱

ب. مآخذ محاسبه حق بیمه

به موجب مصوبه شماره ۲۹۶۲۵/ت۲۶۱ هـ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۱ هیئت وزیران، ماده دو آیین‌نامه در خصوص درآمد مآخذ محاسبه حق بیمه این گونه اصلاح گردید: «درآمد مآخذ حق بیمه موضوع این آیین‌نامه به عنوان پایه برای سال اول اشتغال به وکالت وکلای پایه دو و سه و کارگشایان (۱) برابر

۱. رفیعی، پیشین.

و برای وکلای پایه یک (۱/۲) برابر حداقل حقوق مبنای قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت^۱ در هر سال خواهد بود که به ازای هر سال اشتغال به وکالت (ده درصد) مبلغ پایه به هر گروه به عنوان اضافه سالانه به مبلغ پایه آن گروه اضافه می‌گردد»^۲.

وکلاهی دادگستری و کارگشایان موظفند معادل نصف آن چه بابت مالیات مستقیم تمبر به وکالت‌نامه الصاق می‌کنند، برای صندوق حمایت پرداخت کنند که این مبلغ معمولاً توسط مأموران الصاق تمبر هم‌زمان با ابطال تمبر مالیاتی از وکلا وصول و به حساب صندوق منظور می‌شود. علاوه بر این، وکلا مکلفند معادل نصف مالیات مکسوره از حق‌المشاوره و قراردادهای تنظیمی با اشخاص حقیقی یا حقوقی در بخش خصوصی یا دولتی را به وجه صندوق واریز کنند. متأسفانه، در حال حاضر، وکلا در این موارد کوتاهی می‌کنند. آنان هنگام ابطال تمبر، میزان حقیقی حق‌الوکاله دریافتی را بیان نمی‌کنند و مطابق حداقل تعرفه، تمبر باطل می‌کنند. در خصوص نصف مالیات حق‌المشاوره و قراردادهای مشاوره خود نیز تا زمانی که خود وکلا این امر را به صندوق اعلام نکنند، این مبلغ قابل دریافت از وکلا نیست. به همین منظور، صندوق در زمان تمدید پروانه، فرم‌هایی به آنان می‌دهد که در این فرم‌ها، اگر وکلا با ارگانی به صورت قراردادی در خصوص مشاوره قرارداد ببندند، بایستی به صندوق اعلام کنند. در هر دو مورد با این که تخلف انتظامی محسوب می‌گردد، فقط زمانی ضمانت اجرایی برای آن‌ها وجود دارد که کانون یا صندوق متوجه شود وکیل کم‌تر از میزان حق‌الوکاله دریافتی، تمبر باطل کرده یا قرارداد مشاوره خود را مخفی کرده است. در این صورت، علاوه بر این که کارش، تخلف انتظامی محسوب می‌شود و بایستی در این خصوص پاسخ‌گو باشد، باید مبالغ یادشده را نیز به حساب صندوق واریز کند.^۳

۱. طبق بند (۱) تصویب‌نامه ۵۵۳۲/ت/۴۸۹۰۳ هـ مورخ ۱۳۹۲/۳/۷ در ماده ۲ عبارت «حداقل حقوق مبنای قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت» به عبارت «حداقل حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر مشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری» اصلاح گردید.

۲. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ مصوب ۱۳۷۷ به این شرح بود: «درآمد مأخذ محاسبه حق بیمه موضوع این آیین‌نامه، مبلغ ۴۰۰۰۰۰ هزار ریال در ماه به عنوان پایه برای سال اول اشتغال به وکالت پایه یک خواهد بود که به ازای هر سال اشتغال به وکالت، ده درصد مبلغ پایه به عنوان اضافه سالانه به مبلغ مذکور اضافه می‌گردد. تبصره: درآمد مأخذ محاسبه حق بیمه وکلای پایه دو معادل (۸۰) درصد و وکلای پایه سه و کارگشایان معادل (۷۰) درصد وکلای پایه یک است».

۳. رفیعی، پیشین.

ج. شیوه پرداخت حق بیمه

حق بیمه سهم بیمه‌شده، حداقل هر سه ماه یک بار باید به حساب صندوق نزد یکی از بانک‌های معرفی شده به وسیله صندوق واریز شود و فیش آن برای ثبت در دفتر ثبت حمایت که به همین منظور تهیه می‌گردد، به صندوق تسلیم گردد. باید اضافه کرد که ماه در قانون ۳۰ روز است و از این رو، باید ۳ ماه را ۹۰ روز دانست، اما رویه عملی صندوق حمایت بدین منوال است که هر فصل را ۳ ماه حساب می‌کند. بنابراین، در برخی از فصول، ۳ ماه، ۹۳ روز است و در برخی فصول دیگر، ۸۹ روز.^۱ حق بیمه سهم کانون‌ها، هر دو ماه یک بار از طرف صندوق تعیین و به کانون‌ها اعلام خواهد شد و آن‌ها مکلفند حداکثر ظرف یک ماه، مبالغ اعلام شده را به حساب صندوق واریز کنند.^۲

گفتار چهارم. مشمولان صندوق حمایت از وکلا

نظام بیمه‌ای حاکم بر تأمین اجتماعی وکلای دادگستری از جمله نظام‌های بیمه اجباری^۳ است. مطابق ماده ۱ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا: «وکلا و کارگشایان دادگستری طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری و ازکارافتادگی و فوت حمایت می‌شوند». این ماده، مشمولان صندوق را وکلا و کارگشایان دادگستری معرفی کرده است. وکیل دادگستری، شخصی است که پروانه وکالت داشته باشد. البته کارآموزان وکالت نیز مطابق تبصره ماده ۱۵ همین

۱. پرتو، حمیدرضا، «رژیم حقوقی حاکم بر تأمین اجتماعی وکلای دادگستری»، آبان ۱۳۹۳: www.hpartow.com/ContentDe-tails.aspx?Typeid=218.

۲. در این خصوص در مصوبه کمیسیون رؤسای کانون‌های وکلای دادگستری در اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ به این نحوه تعیین تکلیف گردید: در خصوص نحوه تأمین ۴ درصد سهم کانون از حق بیمه و بازنشستگی وکلا با توجه به اطلاق ضوابط مربوطه که صرفاً به دریافت این وجه از طرف صندوق و پرداخت آن از طرف کانون دلالت دارد، بدون این‌که نحوه تأمین آن را مشخص کرده باشد، مقرر شد هیئت‌های مدیره دریافت این وجه را از وکلای محترم مشمول به عنوان مصوبه کمیسیون رؤسای همایش تلقی و اقدام به وصول آن، حداکثر تا زمان تمدید پروانه‌ها بنمایند.

۳. در خصوص بیمه‌های اجباری و اختیاری باید گفت بیمه‌های اختیاری آن نوع از بیمه است که بیمه‌شده تکلیفی به بیمه کردن خود ندارد و در این نوع بیمه‌ها، پرداخت نکردن حق بیمه در موعد مقرر باعث بطلان قرارداد می‌شود. در بیمه اجباری، بیمه‌شدگان بدون توجه به اراده‌شان و به حکم قانون، بیمه‌شده صندوق هستند و در این خصوص، هیچ یک از طرفین رابطه بیمه‌ای نمی‌تواند از انجام تکالیف قانونی سر باز زند. صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری، نمونه‌ای از این‌گونه صندوق هاست.

قانون از این منظر، وکیل محسوب و مشمول حمایت‌های این صندوق می‌شوند. با این حال، چون ممکن است وکیل دادگستری علاوه بر وکالت به تدریس یا مشاوره در دانشگاه یا شرکت‌های دولتی و غیر دولتی مشغول به کار باشد و در آن‌جا نیز مشمول مقررات بیمه‌ای کارفرمای متبوع خود گردد، تعارض‌هایی با صندوق حمایت وکلا ایجاد می‌شود.

ماده یک قانون یادشده با صراحت در تبصره خود عنوان کرده است: «وکلا و کارگشایانی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح یا قانون تأمین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری هستند، از شمول مقررات حمایتی این قانون مستثنی می‌باشند».

مطابق یک نظر، وکیل باید در عین‌این‌که به صندوق حمایت حق بیمه می‌پردازد، برای اشتغال نزد کارفرمایی که عضو صندوق‌های دیگری غیر از صندوق حمایت وکلا هستند، حق بیمه بدهد و در زمان بهره‌مندی از مزایا، سوابق بیمه‌ای وی تجمیع شود.^۱ در این‌جا بهتر است بین وکلایی که به مشاغل چون تدریس یا مشاوره حقوقی اشتغال موقت دارند و وکلایی که اشتغال به تدریس یا شغل دیگرشان ثابت است، فرق قائل شد. اگر وکلی به صورت دایمی، شغلی غیر از وکالت داشته باشد، فقط حق بیمه صندوق متبوع خود را می‌پردازد که این صندوق می‌تواند صندوق بازنشستگی یا تأمین اجتماعی باشد. دلیل این امر نیز اصل ممنوعیت برخورداری از دو حمایت (حمایت مضاعف) است. مطابق اصول کلی حاکم بر تأمین اجتماعی و مفاد تبصره ۳ ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، عضویت هم‌زمان در دو نهاد بیمه‌ای پذیرفته نیست و استفاده از تبصره ماده یک نیز صندوق برای پوشش خطرهایی تشکیل شده است که ممکن است سراغ وکلای فاقد پوشش بیمه بیاید. بنابراین، اگر وکیل مشمول صندوق دیگری باشد، بدون توجه به تقدم و تأخر عضویت در صندوق حمایت وکلا مشمول صندوق بازنشستگی و تأمین اجتماعی می‌شود.^۲

اگر وکیل به صورت موقت و در ساعات محدود به تدریس یا مشاوره اشتغال داشته باشد، مطابق ظاهر تبصره ماده یک می‌بایست حق بیمه آن شغل نیز به صندوق بیمه‌ای مربوط پرداخت گردد و از بیمه مربوط به صندوق حمایت به نسبت حق بیمه اشتغال در مشاغل مشاوره و تدریس کاسته

۱. امینی و پرتو، پیشین، ص ۱۲۰.

۲. پرتو، «رژیم حقوقی حاکم بر تأمین اجتماعی وکلا»، پیشین.

شود؛ زیرا مستفاد از تبصره ماده یک این است که اگر وکیل حتی برای ساعاتی مشمول مقررات حمایتی تأمین اجتماعی یا بازنشستگی کشوری گردد، برای همان ساعات نیز از شمول مقررات صندوق حمایت وکلا خارج است و می‌بایست حق بیمه ساعات یادشده فقط به آن صندوق بیمه پرداخت شود.

در مقابل، در تفسیری منطقی‌تر می‌توان گفت که بهتر است در این حالت، فرد علاوه بر پرداخت حق بیمه صندوق حمایت، حق بیمه اشتغال به مشاوره یا تدریس را به نهاد بیمه‌ای تأمین اجتماعی یا هر نظام بیمه‌ای بپردازد که بر اساس تدریس یا مشاوره مشمول آن می‌گردد و در زمان استفاده از مزایا و حمایت‌های قانونی، این سوابق بیمه‌ای را با هم جمع کند؛ زیرا حق بیمه‌ای که به صندوق حمایت پرداخت می‌گردد، بر مبنای داشتن عنوان وکالت تعیین و دریافت می‌شود، نه بر اساس ساعات اشتغال به وکالت یا داشتن این عنوان.^۱

قضات دادگستری و کارمندان دولت اگر بعد از بازنشستگی موفق به دریافت پروانه وکالت بشوند، دیگر حق بیمه به صندوق حمایت وکلا نمی‌پردازند. اگر به علت دیگری غیر از بازنشستگی مانند بازخرید، استعفا و عزل از حرفه گذشته خود کنار بروند و موفق به دریافت پروانه وکالت شوند، مطابق ماده ۱۳ قانون تشکیل مشمول مقررات صندوق حمایت وکلا می‌شوند و با پرداخت تمام حق بیمه سنوات یادشده و انتقال آن به صندوق حمایت وکلا مشمول این صندوق می‌گردند. در این خصوص، نظر هیئت مدیره صندوق به استناد صراحت مقررات قانونی مورد عمل این است که همه وکلایی که سابقه پرداخت حق بیمه یا کسور بازنشستگی به صندوق‌های رسمی دیگر را دارند و هنوز از مستمری استفاده نمی‌کنند، باید نزد صندوق بیمه شوند. در این صورت، حق بیمه پرداختی آن‌ها به صندوق قبلی از طرف آن صندوق به صندوق حمایت از وکلا پرداخت می‌شود و از بدهی بیمه‌شده کسر می‌گردد. این تعداد از وکلا باید حق بیمه خود را به صندوق بپردازند. اگر وکلی سابقه پرداخت حق بیمه نزد سازمان تأمین اجتماعی را داشته و مایل به ادامه این وضع باشد، سازمان طبق مقررات پس از اجرای قانون حمایت از دریافت حق بیمه وی امتناع می‌ورزد. افزون بر آن، مشمولانی که دارای سابقه قابل قبول باشند، به شرط پرداخت حق بیمه سنوات گذشته، منهای مبلغی که

۱. همان.

سازمان تأمین اجتماعی بابت حق بیمه پرداختی آنان به صندوق حمایت می‌پردازد، سوابق آنان از طرف صندوق محاسبه خواهد شد.^۱

مطابق نظری دیگر از مفهوم تبصره ماده یک می‌توان این گونه برداشت کرد که اگر وکیل دادگستری در ابتدا عضو صندوق بیمه‌ای دیگری باشد و سپس به کسوت وکالت درآید، الزامی به بیمه‌پردازی نزد صندوق حمایت وکلا ندارد. بدین توضیح که اگر وکیل دادگستری به مناسبت عضویت در هیئت علمی دانشگاه مشمول مقررات صندوق بازنشستگی کشوری شود و سپس به کسوت وکالت درآید، می‌تواند هم‌چنان بیمه‌شده صندوق بازنشستگی کشوری باشد و به تغییر نهاد بیمه‌ای و بیمه‌پردازی به صندوق حمایت وکلا نیازی ندارد.^۲ در مقابل، اگر وکیل ابتدا عضو صندوق حمایت شده و سپس به واسطه کار در دانشگاه یا شرکت دولتی یا غیر دولتی مشمول صندوق دیگری شود، به همین شکل گفته شده هم‌چنان لزومی به پرداخت بیمه به صندوق حمایت ندارد و به بیمه‌پردازی به صندوق متبوع خود ادامه می‌دهد.

پس با عنایت به تبصره ماده یک که وکلایی را مشمول مقررات بیمه اجباری صندوق وکلا دانسته است که عضو صندوق بیمه‌ای دیگری نباشند، باید گفت وکیلی که در صندوق بیمه‌ای دیگری عضو باشد، لزومی به بیمه‌پردازی در صندوق بیمه وکلا ندارد و تقدم و تأخر زمانی عضویت وی، تأثیری بر این حکم نخواهد داشت. رویه عملی صندوق حمایت وکلا نیز همین است؛ زیرا هدف مقنن، حمایت از وکلایی است که تحت پوشش هیچ یک از صندوق‌های بیمه اجتماعی نیستند. صراحت تبصره ماده یک نیز وکلایی را مشمول این صندوق دانسته است که مشمول نظام حمایتی اجباری دیگری نباشند.^۳

بنابراین، هیچ منعی ندارد وکیل عضو هیئت علمی، عضو صندوق متبوع دانشگاه باقی بماند و لزومی به عضویت در صندوق حمایت ندارد. این اقدام صندوق به گونه‌ای است که وکیل در عمل می‌تواند از تسهیلات صندوق هم استفاده کند. در لایحه جامع وکالت، منع بین استفاده از دو صندوق و بحث

۱. «سخنی چند درباره قانون صندوق»، مجله کانون وکلا، بهار ۱۳۸۰، شماره ۱۷۲، صص ۱۴۲-۱۴۳.

۲. امینی و پرتو، پیشین.

۳. همان..

تجمیع صندوق‌ها مانع از این امر است، اما تا زمانی که لایحه جامع وکالت به تصویب نرسد، این امر منعی ندارد و می‌توان از دو صندوق استفاده کرد. برای مثال، استاد دانشگاه، منعی در پرداخت هم‌زمان به صندوق کانون وکلا و صندوق دانشگاه ندارد. هم‌چنین وکیلی که به صورت خویش‌فرما، خودش را بیمه کند و در صندوق حمایت هم بیمه‌پردازی کند، می‌تواند از هر دو صندوق حقوق بازنشستگی دریافت کند. اگر لایحه جامع وکالت تصویب شود، دیگر امکان دریافت این دو مستمری با هم وجود ندارد.^۱

در هر حال، وجود ابهام در این قسمت از قانون صندوق و ناهماهنگی بین صندوق حمایت و سازمان تأمین اجتماعی، مشکلات بسیاری را برای وکلایی به وجود آورده بود که به تدریس در دانشگاه‌ها یا انجام مشاوره در مراکز دولتی یا غیر دولتی مشغول بودند. در حال حاضر، طبق آن چه گفته شد، با رأی وحدت رویه، این ایراد تا حدود زیادی برطرف گردیده است.

نتیجه‌گیری

امروزه تأمین اجتماعی به صورت یکی از نیازهای حیاتی و اصلی جوامع بشری درآمده است. حق برخورداری از تأمین اجتماعی در اسناد مهم بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها تأکید شده است. وکلا نیز به عنوان یکی از اقشار فرهیخته جامعه می‌بایست مانند دیگران از حمایت‌های تأمین اجتماعی برخوردار گردند. تا قبل از سال ۱۳۴۱، هیچ قانونی برای حمایت از وکلا وجود نداشت. هر چند قانون تشکیل صندوق مصوب ۱۳۵۵، پیشرفت بزرگی برای حمایت از وکلا به شمار می‌رفت، اما از آن سال تاکنون، با توجه به تغییرات جوامع و افزایش نیازها و به تبع آن، گسترش حمایت‌های تأمین اجتماعی از مشمولان خود، این قانون نیز نیازمند تغییرات و اصلاحاتی گسترده است که متأسفانه این اتفاق تاکنون نیافتاده است.

کانون وکلا و صندوق حمایت وکلا از استقلال کامل برخوردارند و دولت در سازوکار مربوط به اداره آن‌ها هیچ گونه دخالتی ندارد. به تبع، حمایتی نیز از طرف دولت صورت نمی‌پذیرد. اگر دولت، سهمی در درآمدهای کانون داشته باشد، کانون استقلال خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، سازمان‌ها اگر مبلغی را به عنوان سهم می‌پردازند، از کارمندان نشان نفع می‌برند. این در حالی است که وکلا

۱. رفیعی، پیشین.

برای کانون‌ها هیچ گونه نفعی ندارند تا باعث موظف شدن کانون‌ها در پرداخت هزینه‌ها شود. پس کانون وکلا و صندوق حمایت به منظور حفظ استقلال خود بایستی هزینه‌های خود را تأمین کنند. منبع اصلی تمام هزینه‌های کانون نیز وکلا هستند. در واقع، هر جا قانون به پرداخت وجهی تکلیف کرده است، این وجوه به طور مستقیم و غیر مستقیم از اعضا کانون که وکلا هستند، دریافت می‌گردد. نحوه دریافت این مبالغ از وکلا نیز بر عهده کانون‌هاست و به نحوه اعمال مدیریت کانون‌ها برمی‌گردد.

در خصوص منابع درآمدی کانون‌ها در ماده ۲۲ اساس‌نامه کانون سخن گفته شده است. همان طور که گفته شد، متأسفانه وکلا در اعلام میزان واقعی حق الوکاله دریافتی خود به کانون‌ها کوتاهی می‌کنند. همین امر باعث می‌شود کانون از یکی از منابع عظیم درآمدی خود محروم شود. اگر وکلا در این خصوص صداقت داشته باشند، با درآمدی که از این طریق عاید صندوق می‌شود، امکان استفاده بهینه از منابع صندوق و سرمایه‌گذاری منابع مالی صندوق پدید می‌آید. آن‌گاه صندوق‌ها خواهند توانست خدماتی مانند بیمه بی‌کاری و کمک بارداری، ازدواج و دیگر حمایت‌هایی را عرضه کنند که در قانون برای وکلا در نظر گرفته نشده است. در خصوص تأمین اجتماعی وکلا، اصلاح قوانین امری الزام‌آور است، ولی پای بندی وکلا به قانون و همکاری آن‌ها نیز یکی از مواردی است که در صورت تحقق آن می‌توان به بهبود وضع تأمین اجتماعی نسبت به وکلا امیدوار بود.

امروزه صندوق حمایت وکلا با وجود انتقادهای قانونی و کارآمدی محدود آن، کم‌ترین نرخ حق بیمه را از وکلا دریافت می‌کند. مجموع سهم بیمه‌شده و کانون، ۱۲ درصد است، در حالی که کم‌ترین نرخ حق بیمه دیگر صندوق‌ها، ۲۱ درصد است. این امر یکی از نکات مثبت در تشویق وکلا به ادامه پرداخت حق بیمه به منظور بهرمندی از مزایای آن در آینده است. با این حال، رعایت شأن وکیل و صلاحیت ذاتی وکالت در دفاع از حقوق شهروندان اقتضا دارد نسبت به کارآمدتر شدن قانونی صندوق حمایت وکلا و ایجاد احساس آرامش بین وکلا، اقدام‌های مؤثرتری صورت پذیرد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. استوار سنگری، کوروش، **حقوق تأمین اجتماعی**، تهران: میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
۲. اسماعیلی هریسی، ابراهیم، **وکلاي جوان بدانند (درس یکم: پیشه وکالت)**، تهران: دادگستر، ۱۳۸۵.
۳. شمس، عرفان، **خودتنظیمی**، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴.
۴. صدیق، بیژن، **مجموعه قوانین و مقررات صندوق حمایت وکلاي دادگستری**، تهران: بی نا، ۱۳۹۲.
۵. کاتبی، حسین قلی، **وکالت (مجموعه مقالات)**، تهران: آبان، چاپ دوم، ۱۳۵۷.

ب) مقاله

۱. اصغریان، مجتبی و همکاران، «مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت؛ مطالعه موردی نظام حقوقی انگلستان»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره هشتاد و هفتم، شماره ۱۲۱، شماره ۱۴۰۲.
۲. بادینی، حسن و زینب عصمتی، «نقدی بر آرای دیوان عدالت اداری در پرتو اصول حاکم بر تأمین اجتماعی»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۷۸، تابستان ۱۳۹۱.
۳. بادینی، حسن، «جستاری نقادانه بر نظام تأمین اجتماعی ایران»، **فصل‌نامه حقوق دانشگاه تهران**، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
۴. تنگستانی، محمدقاسم و مهدی مرادی برلیان، «تخصصی‌سازی حرفه وکالت دادگستری در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره پنجاه و دوم، شماره ۲، ۱۴۰۱.
۵. رستمی، مرتضی و حسن بادینی، «بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی در نظام تأمین اجتماعی ایران»، **پژوهش حقوق عمومی**، سال بیست و یکم، شماره ۶۳، ۱۳۹۸.
۶. رستمی، مرتضی و سید احمد حبیب‌نژاد، «بررسی سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی ایران در پرتو اصول سرمایه‌گذاری»، **مجله حقوق خصوصی**، دوره چهاردهم، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۷. «سخنی چند درباره قانون صندوق»، **مجله کانون وکلا**، بهار ۱۳۸۰، شماره ۱۷۲.

۸. علی اکبری، رستم، «اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه‌ای در شغل وکالت»، تمدن حقوقی، دوره چهارم، شماره ۹، ۱۴۰۰.
۹. ویژه، محمدرضا و احمد کتابی رودی، «توسعه حقوق تأمین اجتماعی در بستر حق بر توسعه»، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۶.

2. Latin Source

1. Harris, Nevill, Social Security Law in Context, Oxford University Press, 1999.
2. History of Social Security, available at: www.legal-dictionary.thefreedictionary.com.
3. Social security available at: www.nolo.com/definition.cfnr/term/3CCrE23B-450842D3-B980E153_8760C8AC.

۳. دیگر منابع

۱. امینی، عیسی و حمیدرضا پرتو، «نقد و بررسی مقررات حاکم بر صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری»، ۱۳۹۲: www.scoda.ir/?p=2546.
۲. پرتو، حمیدرضا، «رژیم حقوقی حاکم بر تأمین اجتماعی وکلای دادگستری»، آبان ۱۳۹۳: www.hpartow.com/ContentDetails.aspx?Typeid=218.
۳. داوودی، هما، «مصوبه غیر کارشناسانه پرداخت ۴ درصد سهم کانون‌ها»، آبان ۱۳۹۳: www.alborzbar.com/CForms/frmNewsDet.aspx?id=250.
۴. سجادی، شهناز، «صندوق حمایت و تأمین اجتماعی»: www.sajadi.ir/item/6.html.
۵. گفت‌وگو با مهراب رفیعی، نماینده سابق کانون فارس و کهکیلویه و بویر احمد در صندوق، آذر ۱۳۹۴.

A reflection on the social security system of lawyers in Iranian law

Maryam Bahrani¹

Abdolhossein Jokar²

Abstract

The right to enjoy social security is one of the basic rights of citizens. Lawyers are no exception to this rule. Therefore, laws have been developed to protect lawyers. The history of establishing a fund to help lawyers goes back to the year 1350 and the Law on Establishing a Cooperative Fund. This fund was dissolved and replaced by the support fund for lawyers and judicial workers approved in 1355. The existing regulations only provide for long-term support including: retirement, disability and death, and other social security support including medical and treatment services, unemployment insurance, marriage allowance, family allowance and pregnancy assistance for lawyers. There is no precedent. Lawyers are deprived of many basic social security supports. Therefore, in this article, after examining the general principles and protections of social security, special protections for lawyers are also studied. The result of this research is that the social security system of lawyers has not been formed based on the general principles of the social security system. In addition to silence and many uncertainties, the regulations of the fund do not include many social security supports. Therefore, this law has many shortcomings that require the amendment of the existing regulations.

KeyWords: Social security system, lawyers, insurance premiums, support fund, retirement pension.

1. Fars-shiraz, bahrani8887@yahoo.com

2. Phd students of Mofid university, jokarh88@yahoo.com